



## طاعت و آثار آن از منظر قرآن کریم

فاطمه یزدانی رستاقی

### چکیده

موضوعی که در این پژوهش به آن پرداخته شده است، «طاعت و آثار آن از منظر قرآن کریم» می باشد. طاعت مسأله‌ای مهم است که در سعادت و شقاوت انسان نقش به سزایی دارد. آن چه پرداختن به آن را ضروری می‌کند تاثیرگذاری این مسأله در زندگی مادی و معنوی و سرنوشت نهایی اوست. این که اگر آدمی به تمام دستورات و فرامین خداوند که توسط فرستادگانش فرستاده شده عمل نماید به نهایت کمال خود می‌رسد و شناخت این که چه مسائلی سبب می‌شود که انسان طوق بندگی به گردن نهد و آثار این بندگی او چه چیزهایی می‌تواند باشد؛ از اهم موضوعاتی است که در این پژوهش سعی شده است تا از منظر قرآن کریم به آن‌ها پرداخته شود و ما حاصل این پژوهش این است که عوامل متعددی در طاعت نقش دارند. طاعت آثار و ثمرات فراوانی چون آمرزش گناهان و پوشاندن بدی‌ها، ورود به بهشت، بهره‌مندی از پاداش الهی، جاودانگی و خلود در بهشت، آرامش و اطمینان خاطر، حصول رحمت الهی، مانع خوف و اندوه و را در زندگی دنیوی و اخروی در پی دارد. هرکس از فرامین الهی پیروی کند در زندگی دنیا و آخرت به سعادت واقعی می‌رسد و هرکس از دستورات او سرپیچی نماید عاقبت آن بدبختی و خلود در جهنم است.

واژگان کلیدی: قرآن، طاعت، آثار طاعت، سعادت.

## مقدمه

از میان موجودات عالم، انسان اشرف مخلوقات است. او دارای درک معانی و شعور باطنی است که با اختیار و اراده توان انتخاب راه را در یکی از مسیرهای نور و ظلمت و سعادت و شقاوت دارا می باشد. خداوند تعالی توسط فرستادگان خود راه هدایت و سعادت بشر را به او نشان داد. اگر آدمی مسیر درست را بشناسد و به آن چه که از طرف پروردگار فرستاده شده است عمل نماید قطعاً به خاطر این فرمان برداری و طاعت به سعادت ابدی و کمال نهایی می رسد و جایگاه او بهشت برینی است که خداوند وعده داده است. یکی از راه های رسیدن به قله اعلای انسانیت و معنویت و دست یابی به سعادت واقعی و رهایی از بد بختی و هلاکت، شناخت طاعت، علل و عوامل و آثار پی آمدهای آن می باشد. این پژوهش به موجب اهمیت موضوع فوق انتخاب شده و سعی شده در تشریح موضوع طاعت و انواع طاعت و آثار آن از منبع ارزشمند و راه گشایی که در طول تاریخ همواره چراغ روشنی در مسیر زندگی انسان هاست؛ یعنی قرآن کریم بهره جسته و از سخنان پر بار ائمه اطهار (ع) و کتب بزرگان و نویسندگان با موضوع اخلاقی و معرفتی متناسب با پژوهش حاضر استفاده شود.

یکی از مسائلی که باعث رشد تعالی انسان تا حد اعلی نورانیت می گردد طاعت از فرامین الهی است. لذا شناخت شاخصه های طاعت و این که طاعت از چه کسانی و چه اموری سبب سعادت انسان می گردد و او را به هدف متعالی سوق می دهد و بررسی آثار آن از اهمیت خاصی برخوردار است که در این پژوهش سعی می شود به آن پرداخته شود.

## معانی طاعت

### الف: طاعت در لغت :

طاعت از ماده « طوع » گرفته شده است. طوع در قاموس رغبت و میل معنا شده است و طاعت نیز بدین معنا می باشد.<sup>۱</sup> در مفردات راغب طوع به معنی انقیاد آمده است.<sup>۲</sup> در العین هم به همین معنا بیان شده است.<sup>۳</sup> در الرائد طاعه به معنی فرمان برداری ذکر شده است.<sup>۴</sup>

### طاعت در اصطلاح :

در نظام های اخلاقی مربوط به ادیان به ویژه اخلاق اسلامی بیشتر این حقیقت مورد توجه قرار می گیرد که ارزش های مثبت و افعال خوب مورد امر خداوند هستند در این صورت ممکن است مکلف کارهای خوب را انجام دهد و این بدان معناست که فرمان های خداوند را به کار بسته و به دستورات او گردن نهاده است و افعال و رفتارش با آن هماهنگی دارد از این موافقت و هماهنگی مفهوم طاعت را انتزاع می کنیم.<sup>۵</sup> طاعت عمل کردن به حال رغبت و خضوع در مقابل فرمان و حکم می باشد<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> - قرشی، سیدعلی اکبر، ۱۳۸۷ش، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ج ۴، ص ۲۴۸.

<sup>۲</sup> - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول، ج ۱، ص ۵۲۹.

<sup>۳</sup> - فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ج ۲، ص ۲۰۹.

<sup>۴</sup> - جبران، مسعود، ۱۳۷۶ش، الرائد(فرهنگ الفبایی عربی - فارسی)، ترجمه رضا انزابی نژاد، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ص ۱۱۱۴.

<sup>۵</sup> - مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۲ش، اخلاق در قرآن، تهران، امیرکبیر، ص ۳۷.

<sup>۶</sup> - مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۷، ص ۱۳۷.

## ب: واژه‌های بیانگر طاعت در قرآن

۱- **قنوت:** واژه قنوت با تعابیر مختلف ۱۳ بار در قرآن کریم ذکر شده است که در تمام موارد معنای طاعت و خضوع و فرمانبرداری را دارد.<sup>۱</sup>

الف) راغب در مفردات گفته است: قنوت: التزام به فرمان‌برداری و طاعت به همراه خضوع است و آیه « و قوموا لله قانتین » و نیز « کل له قانتون » به هر یک از آن دو تفسیر شده است. گفته شده است که معنی « قانتون » خضوع کنندگان است و گفته شده است که معنی آن ساکت شنوندگان است.<sup>۲</sup>

ب) در قاموس و اقرب به معنی طاعت آمده است.<sup>۳</sup>

ج) در لسان العرب آمده است: « القنوت: خشوع و الإقرار بالعبودية » قنوت: خشوع و اقرار به عبودیت و بندگی است.

د) در العین قنوت طاعت و قانتون مطیعون معنا شده است.<sup>۴</sup>

۲- **عبادت:** الف) در قاموس آمده است: عبادت: تذلل با تقدیس، اطاعت.<sup>۵</sup>

ب) در صحاح گفته شده: « اصل العبودیه الخضوع و الذل. و العباده الطاعه » اصل عبودیت خضوع و ذل و عبادت طاعت است.

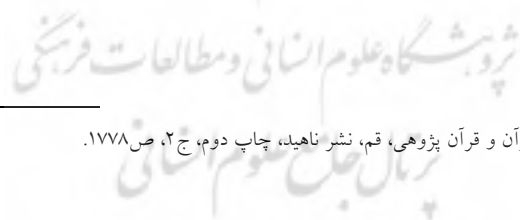
ج) در اقرب الموارد آمده: « العباده: الطاعه و نهایه التعظیم لله تعالی »

د) در مفردات این گونه بیان شده است: عبودیت اظهار تذلل و عبادت غایت تذلل است.<sup>۶</sup>

۳- **ذعن:** این کلمه فقط یک بار در قرآن آمده است: « وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ » « واگر حق با آنان باشد به حال طاعت به سوی او می آیند . »

الف: در قاموس قرآن قرشی آمده است: ذعن: یعنی طاعت، انقیاد.

ب: در لسان العرب، العین<sup>۷</sup> و مجمع البحرین<sup>۸</sup> لهم به همین معنی آمده است.



۱ - خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۷۷ش، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، قم، نشر ناهید، چاپ دوم، ج ۲، ص ۱۷۷۸.

۲ - مفردات راغب، ج ۱، ص ۶۴۸.

۳ - قاموس قرآن، ج ۶، ص ۴۱.

۴ - ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ج ۲ ص ۷۳.

۵ - العین، ج ۵، ص ۱۲۹.

۶ - قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۷۹.

۷ - همان

۸ - همان

۹ - مفردات، ج ۱، ص ۵۴۲.

۱۰ - نور/ ۴۹

۱۱ - قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۴.

۱۲ - لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۷۲.

۱۳ - العین، ج ۲، ص ۱۰۰.

۱۴ - طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ج ۶، ص ۲۵۴.

#### ۴- الذَّل [تذلیل]

الف) در قاموس آمده است: ذَلَّ: به معنی رام شدن است و ناقه ذلول شتر رام است.<sup>۱</sup>

ب) در التحقیق این گونه بیان شده است که: شی رام و تحت نفوذ و سلطه قرار گرفت.<sup>۲</sup>

ج) در العین<sup>۳</sup> و مجمع البحرین<sup>۴</sup> و مفردات<sup>۵</sup> به معنی انقیاد آمده است.

۵- سَلَّمَ: این واژه ۴ بار در قرآن آمده است. « وَ أَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلْمَ ».

الف) در قاموس اینگونه آمده است: سَلَّمَ: به معنی اطاعت و انقیاد است.<sup>۶</sup> اسلام: انقیاد و تسلیم شدن.<sup>۷</sup>

ب) در فرهنگ ابجدی آمده است: « سَلَّمَ: فرمانبرداری بی چون و چرا از امر و نهی دین اسلام ».

ج) در العین اسلام: تسلیم شدن به امر خدای تعالی و گردن نهادن بر طاعتش و قبول امرش معنا شده است.<sup>۸</sup>

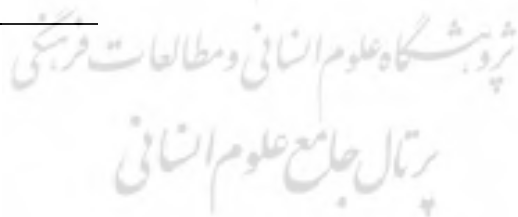
د) و راغب در مفردات در توضیح آیه « **إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ** » بیان کرده است مسلمون « ای منقادون للحق مذعنون له »<sup>۹</sup>

۶- تبعیت: در قرآن این واژه ۱۴ بار به شکل های مختلف به کار رفته است. تبعیت از ماده تبع است.

الف) در مفردات راغب آمده است: تبع: تَتَّبِعُ وَاتَّبَعَهُ؛ یعنی اثرش را دنبال کرد که گاهی در معنی پیروی از راه و روش و فرمانبری است.<sup>۱۰</sup>

ب) در العین به معنی از پی رفتن و پیروی کردن بیان شده است.<sup>۱۱</sup>

ج) در لسان العرب<sup>۱۲</sup> التحقیق<sup>۱۳</sup> و قاموس قرآن<sup>۱۴</sup> هم به معنی پیروی کردن آمده است.



۱- قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۳.

۲- التحقیق، ج ۳، ص ۳۲۹.

۳- العین، ج ۸، ص ۱۷۶.

۴- مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۷۶.

۵- مفردات، ج ۱، ص ۳۳۱.

۶- قاموس، ج ۳، ص ۳۰۰.

۷- همان، ص ۳۰۱.

۸- مهیار، رضا، بی تا، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، بی جا، بی نا، ص ۵۸.

۹- العین، ج ۷، ص ۲۶۶.

۱۰- نمل/ ۸۱

۱۱- مفردات، ج ۱، ص ۴۲۳.

۱۲- مفردات، ج ۱، ص ۱۶۲.

۱۳- العین، ج ۲، ص ۷۸.

۱۴- لسان العرب، ج ۸، ص ۲۷.

۱۵- التحقیق، ج ۱، ص ۳۷۷.

۱۶- قاموس قرآن، ج ۱، ص ۲۶۵.

## انواع طاعت

**الف : طاعت ممدوح :** طاعت ممدوح که مورد امر و مدح خداوند یکتا است.

- ۱- اطاعت از خدا: در آیه « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ... » ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید. اطیعوا الله فرمان صریح خداوند در اطاعتش است.
- ۲- اطاعت از رسول خدا: در قرآن می‌خوانیم: « وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ »<sup>۲</sup> از خدا و پیامبر اطاعت کنید باشد مشمول رحمتش شوید.»

۳- اطاعت از هدایت‌گران حق: در قرآن آمده است: « قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ »<sup>۳</sup> بگو: آیا از شریکان شما کسی است که سوی حق هدایت کند؟ بگو: خداست که به سوی حق هدایت می‌کند پس، آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه خود هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟»

۴- اطاعت از قرآن: آنچه از طریق فرشته وحی بر پیامبر(ص) محمد مصطفی نازل شده است قرآن نام دارد و ما در این کتاب مقدس می‌خوانیم: «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ »<sup>۴</sup> از آنچه از سوی پروردگارتان نازل شده پیروی کنید و به جای او هیچ سرپرستی نگیرید؛ چه اندک پند می‌گیرید.»

۵- اطاعت از امامان: براساس آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ »<sup>۵</sup> ای کسانی که ایمان آوردید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید» اطاعت از امامان هم مانند اطاعت از پیامبر است.

۶- اطاعت از انبیاء: هدف از فرستادن انبیاء جز اطاعت و فرمانبرداری از آنان برای رسیدن به کمال نیست خداوند می‌فرماید: « وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ... »<sup>۶</sup> «هیچ رسولی را نفرستادیم مگر اینکه به فرمان خدا از او اطاعت شود.»

۷- اطاعت از صراط مستقیم: پروردگار در قرآن فرموده است: « وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ »<sup>۷</sup> «این راه راست من است آن را در پیش گیرید و به راه‌های دیگر نروید که شما را از راه دور می‌اندازد اینچنین به شما سفارش کرده شاید تقوی پیشه کنید.»

۸- اطاعت از سالکان راه خدا: در سوره لقمان آمده است: « وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ »<sup>۸</sup> «پیرو راه کسی باش که توبه کنان به سوی من می‌آید سپس بازگشت شما به سوی من است آنگاه از آنچه کرده‌اید آگاهتان می‌سازم.»

۱ - نساء / ۵۹

۲ - آل عمران / ۱۳۲

۳ - بونس / ۳۵

۴ - اعراف / ۳

۵ - نساء / ۵۹

۶ - نساء / ۶۴

۷ - انعام / ۱۵۳

۸ - لقمان / ۱۵

- ۹- اطاعت از معلم: در سوره کهف می‌خوانیم: «قَالَ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا»<sup>۱</sup> «گفت: ان شاء الله مرا شکیبا خواهی یافت و در هیچ کاری تورا نافرمانی نخواهم کرد.» اطاعت از معلم جامعه را از گمراهی می‌رهاند.
- ۱۰- اطاعت از اسلام: خداوند در کتابی که بر پیامبرش نازل کرده فرموده است: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> «سپس ترا بر شریعتی از امر دین قرار دادیم پس از آن پیروی کن و از هوس کسانی که نمی‌دانند پیروی نکن.»
- ب: طاعت مذموم: طاعتی نهی شده و نکوهیده است.
- ۱- اطاعت از ظن و گمان: خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ»<sup>۳</sup> «و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی‌کنند، ولی گمان به هیچ وجه آدمی را از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند، آری خدا به آن چه می‌کنند داناست.»
- ۲- اطاعت از کافران: خداوند به پیامبرش دستور داده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ ...»<sup>۴</sup> «ای پیامبر از خدا پروا کن و از کافران اطاعت مکن ...»
- ۳- اطاعت از مستکبران: در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَبَرِّزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَدُونَ عَنَا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرْنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ»<sup>۵</sup> «همگی در برابر خدا ظاهر می‌شوند. پس ناتوانان به گردنکشان می‌گویند: ما پیروان شما بودیم، آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می‌کنید؟ می‌گویند: اگر خدا ما را هدایت کرده بود، قطعاً شما را هدایت می‌کردیم. چه بی‌تابی کنیم، چه صبر نماییم برای ما یکسان است. ما را راه گریزی نیست.»
- ۴- اطاعت از مشرکان: در قرآن می‌خوانیم: «وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ»<sup>۶</sup> «و از آنان چه نام خدا بر آن برده نشود نخورید چرا که آن قطعاً نافرمانی است و در حقیقت شیطان‌ها به دوستداران خود الهام می‌کنند تا با شما ستیزه نمایند و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرک‌اید.»
- ۵- اطاعت از مفسدان: در سوره اعراف آمده است: «وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»<sup>۷</sup> «موسی در وقت رفتن به طور به برادر خود هارون گفته که: خلیفه من باشی در حین غیبت من در میان قوم من و امور فاسده ایشان را اصلاح کن و راه فسادکنندگان را پیروی مکن.»
- ۶- اطاعت از نیاکان مشرک: باری تعالی می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»<sup>۸</sup> «و چون به ایشان گفته شود به سوی

۱ - کهف/۶۹

۲ - جاثیه/۱۸

۳ - یونس/۳۶

۴ - احزاب/۱

۵ - ابراهیم/۲۱

۶ - انعام/۱۲۱

۷ - اعراف/۱۴۲

۸ - مائده/۱۰۴

آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر آید ، گویند آنچه نیاکانمان را بر آن یافته‌ایم ما را بس است ، حق اگر نیاکانشان هیچ چیز نمی‌دانستند و هدایت نشده بودند؟!»

**۷- اطاعت از هوای نفس :** خداوند به حضرت داود علیه‌السلام این‌گونه خطاب می‌کند : « **وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ** »<sup>۱</sup> . واز هوای پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه می‌کند ، بی‌گمان کسانی که از راه خدا گمراه شوند عذاب سنگینی دارند ؛ زیرا روز حساب را فراموش کرده‌اند.

**۸- اطاعت از هواپرستان:** در کتاب خدا بیان شده است: « **وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا** »<sup>۲</sup> و از آن کسی که قلبش را از یاد خدا غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و کارش بر زیاده روی است اطاعت نکن. « هواپرستی سرچشمه غفلت از خدا و خلق خداست.

**۹- اطاعت از اشراف:** در سوره قلم می‌خوانیم: « **وَلَا تُطِعْ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ** »<sup>۳</sup> « اطاعت نکن به خاطر این که مال دار و صاحب پسران است .»

**۱۰- اطاعت از راه باطل :** خداوند در کتابش این‌گونه می‌فرماید : « ... **وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** »<sup>۴</sup> « هرگز در راه‌های انحرافی و پراکنده گام ننهید که شما را از راه خدا منحرف و پراکنده می‌کند و تخم نفاق و اختلاف را در میان شما می‌پاشد.»<sup>۵</sup>

**۱۱- اطاعت از مکذبان :** در قرآن کریم می‌خوانیم: « **فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ** »<sup>۶</sup> « پس فرمان نبر تکذیب‌کنندگان توحید و یکتایی خدای عزوجل و انکارکنندگان نبوت تو را و آن چه به تو التماس می‌کنند و از تو می‌خواهند نپذیر و در آنچه ببینند موافقت با ایشان نکن.»<sup>۷</sup>

**۱۲- اطاعت از سوگند خواران پست :** خداوند می‌فرماید : « **وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ** »<sup>۸</sup> «حلاف به کسی می‌گویند که بسیار قسم می‌خورد ،<sup>۹</sup> و برای هرکار و کوچک و بزرگی سوگند یاد می‌کند و معمولاً اینگونه افراد در سوگندهای خویش صادق نیستند. مهین از مهانت یعنی حقارت و پستی است.<sup>۱۰</sup>

**۱۳- اطاعت از منافقان :** « **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا** »<sup>۱۱</sup> « ای پیامبر از خدا پروا کند و از کافران و منافقان فرمان مبر زیرا خدا همواره دانای حکیم است.»

۱ - ص ۲۶

۲ - کهف/ ۲۸

۳ - قلم ، ۱۰ و ۱۴

۴ - انعام/ ۱۵۳

۵ - تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۱.

۶ - قلم/ ۸

۷ - تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۰۱ .

۸ - قلم/ ۱۰

۹ - قاموس قرآن ، ج ۲ ، ص ۱۶۵.

۱۰ - لسان العرب ، ج ۱۳ ، ص ۴۲۵.

۱۱ - احزاب/ ۱

- ۱۴- اطاعت از غافلان: در قرآن می‌خوانیم: « وَلَا تُطِيعْ مَنْ أَغْلَقْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا »<sup>۱</sup> در این آیه خداوند می‌فرماید: « از افرادی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن همان‌ها که از هوای نفس پیروی می‌کنند و همه اعمالشان افراطی و خارج از تعادل است. »
- ۱۵- اطاعت از گنهکاران: خداوند در قرآن می‌فرماید: « فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِيعْ مِنْهُمْ أَيْمًا أَوْ كَفُورًا »<sup>۲</sup> « پس در برابر فرمان پروردگارت صبر کن و از آنان همان که گناهکار یا ناسپاس است اطاعت نکن. »
- ۱۶- اطاعت از مانعان خیر: در سوره قلم می‌خوانیم: « وَلَا تُطِيعْ ... مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ »<sup>۳</sup> « پس اطاعت نکن از کسی که بازدارنده نیکی، تجاوزگر و گنهکار است. »
- ۱۷- اطاعت از مسرفان: خداوند می‌فرماید: « وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ »<sup>۴</sup> « و فرمان مسرفین را پیروی نکنید »
- ۱۸- اطاعت از شیطان: در قرآن آمده است: « يَا أَبَتِ لَا تُعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا »<sup>۵</sup> « پدرجان شیطان را نپرست که شیطان برای رحمان عصیان‌گر است. »
- ۱۹- اطاعت از جاهلان: « قَالَ قَدْ أُجِيبَتِ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ »<sup>۶</sup> « فرمود: دعای هردو شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید و راه کسانی که نمی‌دانند پیروی نکنید. »
- ۲۰- اطاعت از رهبران گمراه: در کتاب مقدس مسلمانان می‌خوانیم: « وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكِبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا »<sup>۷</sup> « می‌گویند: پروردگارا، ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم پس ما را گمراه کردند. »
- ۲۱- اطاعت از طاغوت: خداوند می‌فرماید: « أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا »<sup>۸</sup> « آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده به آنچه پیش از تو نازل گردید، ایمان آورده‌اند با این همه می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند ولی شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دور بیندازد. »
- ۲۲- اطاعت از والدین ناآگاه: در سوره عنکبوت می‌خوانیم: « وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ »<sup>۹</sup> « و به انسان سفارش کردیم که به والدین خود نیکی کند و اگر آنها کوشیدند تا چیزی را که بدان علم نداری با من شریک گردانی از ایشان اطاعت نکن. بازگشتشان به سوی من است سپس شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهیم کرد. »

۱ - کهف/ ۲۸

۲ - انسان/ ۲۴.

۳ - قلم / ۱۰ و ۱۲

۴ - شعراء/ ۱۵۱

۵ - مریم/ ۴۴

۶ - یونس/ ۸۹

۷ - احزاب/ ۶۷

۸ - نساء/ ۶۰

۹ - عنکبوت/ ۸



## عوامل طاعت

با نگاهی در کتاب مقدس قرآن می‌توانیم به برخی از این عوامل اشاره کنیم از جمله :

۱- ایمان به خدا: در قرآن کریم بیان شده است: « **وَاعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلَّا إِيْمَانًا وَرَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ** »<sup>۱</sup>  
 « و بدانید که رسول خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از شما پیروی کند قطعاً دچار زحمت می‌شوید لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دل های شما بیاراست و کفر و فسق و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان که چنین هستند ره یافته‌گاند. »

۲- یاد خدا: خداوند متعال می‌فرماید: « **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ** »<sup>۲</sup> « مومنان همان کسانی اند که چون خدا یاد شود، دل هایشان می‌ترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان افزوده می‌شود و بر پروردگار خود توکل می‌کنند. »

۳- ایمان به معاد و ترس از عذاب اخروی: خداوند می‌فرماید: « **وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ** »<sup>۳</sup> « و از روزی بترسید که کسی به فریاد کسی نرسد و از کسی شفاعتی پذیرفته نمی‌شود و فدیهای گرفته نمی‌شود از سوی کسی یاری نمی‌شوند. »

۴- باور قرب خدا به انسان: خداوند متعال می‌فرماید: « **وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ** »<sup>۴</sup> « و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، من نزدیکم و دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورنده باشد که راه یابند. »  
 ۵- حب الهی: قرآن کریم می‌فرماید: « **قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ** »<sup>۵</sup> « بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا نیز دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است. »

۶- فطرت: قرآن نیز پرستش و طاعت و بندگی در مقابل پروردگار را یک امر فطری می‌داند و می‌فرماید: « **فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ** »<sup>۶</sup> « پس روی خود را به سوی دین حنیف کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا تغییرناپذیر نیست. این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. »

۷- خوف الهی: خداوند متعال در سوره نحل می‌فرماید: « **يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ** »<sup>۷</sup> « از پروردگارشان که حاکم بر آن هاست می‌ترسند و آنچه را مأمورند انجام می‌دهند»

۱ - حجرات/۷

۲ - انفال/ ۲

۳ - بقره/ ۴۸

۴ - بقره/ ۱۸۶

۵ - آل عمران/ ۳۱

۶ - روم/ ۳۰

۷ - نحل/ ۵۰

۸- توجه به نعمت‌ها : خداوند متعال در قرآن نعمت‌های بی‌شماری را که به انسان ارزانی داشته است برشمرده است از جمله می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ »<sup>۱</sup> « ای مردم! پروردگارتان را که هم شما و هم پیشینیان شما را خلق کرد، بپرستید تا متقی شوید. »

۹- تقوا : در قرآن کریم می‌خوانیم: « إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ »<sup>۲</sup> « در حقیقت کسانی که از خدا پروا دارند چون وسوسه‌ای از جانب شیطان به ایشان رسد خدا را به یاد آورند و آنگاه بینا شوند. »

۱۰- تعقل و تفکر: حق تعالی در کتاب خود در مواضع بی‌شمار امر به تفکر و تدبیر فرموده است و متفکران را ستوده و فرموده : « الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ »<sup>۳</sup> « همانا که خدا را در همه احوال ، ایستاده و نشسته و به پهلو آرמידه یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند که : پروردگارا ! اینها را بیهوده نیافریده‌ای ، منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. »

۱۱- احساس نیاز و وابستگی: خداوند چه زیبا بیان کرده است: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْخَمِيدُ »<sup>۴</sup> « ای مردم شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز حمید است . »

۱۲- علم : در قرآن کریم آمده است : « وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعَلِّمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ... »<sup>۵</sup> « و کلیدها و خزائن غیب نزد اوست که هیچ کس جز او آن را نمی‌داند و آن چه در خشکی و دریاست می‌داند . »

#### آثار طاعت

از جمله آثار طاعت می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود :

۱- **آمزش گناهان و پوشاندن بدی‌ها :** یکی از آثار عبودیت ، طاعت و بندگی ، آمزش و پاک‌شدن از گناهان است. در قرآن کریم می‌خوانیم : « وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ »<sup>۶</sup> « و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و به آن چه بر محمد(ص) نازل شد، ایمان آورده‌اند، همان که حق و از جانب پروردگارشان است. خدا نیز بدی‌هایش را می‌پوشاند و امورشان را اصلاح می‌کند. »

۲- **ورود به بهشت:** قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «. مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمِنْ يَتَوَلَّىٰ يَعِذُّهُ عَذَابًا أَلِيمًا »<sup>۷</sup> « هرکس که خدا و رسولش را فرمان برد وی را در باغ‌هایی که از زیر آن نهرها روانی است در می‌آورد و هرکس روی برتابد به عذابی الیم معذبش می‌کند. »

۳- **بهره‌مندی از پاداش الهی:** در سوره احزاب می‌خوانیم: « إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ

۱ - بقره / ۲۱

۲ - اعراف / ۲۰۱

۳ - آل عمران / ۱۹۱

۴ - فاطر / ۱۵

۵ - انعام / ۵۹

۶ - محمد / ۲

۷ - فتح / ۱۷

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۱</sup> «بی گمان مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مطیع و مردان و زنان صادق، و مردان و زنان شکيبا و مردان و زنان خاشع و مردان و زنان صدقه بخش و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنان که خدا را بسیار یاد می کنند خدا برای آنان پاداشی بزرگ آماده ساخته است.»

۴- جاودانگی و خلود در بهشت: در سوره طلاق می خوانیم: «... وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا»<sup>۲</sup> «هرکس به خدا ایمان آورد و کارهای شایسته کند او را در باغهایی که از زیر آن نهرها روان است در می آورد، همواره جاودانه در آن می ماند. قطعاً خدا رزق آن را نیکو گردانده است.»

۵- بهره مندی از نعمت های بهشتی: در سوره توبه بیان شده است که: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»<sup>۳</sup> «خدا به مردان مومن و زنان مؤمن وعده باغهایی را داده که نهرها از زیر آن جاری است، جاودانه در آنند و نیز خانه های پسندیده ای در بهشت های عدن به آنها وعده داده و خشنودی الهی برتر از همه چیز است؛ این همان رستگاری بزرگ است.»

۶- آرامش و اطمینان خاطر: قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۴</sup> «همان کسانی که ایمان آورده اند و دل هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل ها آرامش می یابد.»

۷- نجات از گمراهی: در قرآن کریم می خوانیم: «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى»<sup>۵</sup> «فرمود: همگی از آن فرود آید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است پس اگر برای شما از جانب من هدایتی رسد، هر کسی از هدایتم پیروی می کند نه گمراه می شود و نه به رنج می افتد.»

۸- حصول رحمت الهی: یکی دیگر از آثار طاعت حصول و دستیابی به رحمت الهی است چنان چه باری تعالی فرمودند: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۶</sup> «و از خدا و پیامبر اطاعت کنید باشد مشمول رحمتش شوید.»

۹- مانع خوف و اندوه: در سوره بقره می خوانیم: «بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۷</sup> «آری، هرکس که خود را با تمام وجود به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد پس مزد وی پیش پروردگار اوست و بیمی بر آنان نیست و غمگین نشوند.»

۱۰- مصونیت از سلطه ابلیس: باری تعالی فرمود: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ»<sup>۸</sup> «در حقیقت تو را بر بندگان من تسلطی نیست؛ مگر کسانی که گمراهان که از تو پیروی کنند.»

۱ - احزاب/ ۳۵

۲ - طلاق/ ۱۱

۳ - توبه/ ۷۲

۴ - رعد/ ۲۸

۵ - طه/ ۱۲۳

۶ - آل عمران/ ۱۳۲

۷ - بقره/ ۱۱۲

۸ - حجر/ ۴۲



۲۰- اجابت دعا: قرآن کریم می‌فرماید: « وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ »<sup>۱</sup> و دعای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، اجابت می‌کند و بر جای آنان از فضل خویش می‌افزاید و کافران عذابی سهمگین دارند.»

۲۱- بهترین مردم شدن: خداوند متعال فرمود: « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ »<sup>۲</sup> « کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، اینانند که خود بهترین آفریدگانند.»

۲۲- هدایت: خداوند در قرآن کریم می‌گوید: « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ »<sup>۳</sup> « کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، پروردگارشان ایشان را به جزای ایمانشان به بوستان‌های بهشتی که پر از نعمت است و نهرها از زیر آن جاری است، هدایت می‌کند.»

۲۳- ورود در زمرة صالحان: در قرآن می‌خوانیم: « وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا »<sup>۴</sup> و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمرة کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته یعنی با پیامبران و داستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو رفیقانی هستند.»

۲۴- نجات از زیان بزرگ: درسوره عصر می‌خوانیم: « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ »<sup>۵</sup> « بی‌گمان انسان در زیانکاری است، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و هم‌دیگر را به حق سفارش کرده و هم‌دیگر را به صبر سفارش کرده‌اند.»

۲۵- حیات طیبه: خداوند در قرآن کریم یک قانون کلی نتیجه اعمال صالح توأم با ایمان را از هر کس و به هر صورت تحقق یابد در این دنیا و جهان دیگر، بیان می‌کند و می‌گوید: « مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ »<sup>۶</sup> « هر کس عمل صالح انجام دهد در حالی که مؤمن باشد، خواه مرد یا زن به او حیات پاکیزه می‌بخشیم.»

۲۶- محبوب دل‌ها شدن: قرآن کریم در این باره می‌فرماید: « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا »<sup>۷</sup> « کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، بزودی رحمان برای آنان محبتی در دل‌ها قرار می‌دهد.»

۲۷- برخورداری از ولایت خداوند: خداوند متعال تضمین کرده است که اگر بنده‌ای در مسیر عبودیت حق تعالی قرار گرفت « ولی » او می‌شود و دائم مراقب او می‌باشد و او را از مهلکه‌ها نجات می‌بخشد: « اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ »<sup>۸</sup> خداوند سرپرست مؤمنان است و آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌آورد.

۱- نور/ ۵۵

۲- شوری/ ۲۶

۳- بینه/ ۷

۴- یونس/ ۹

۵- نساء/ ۵۹

۶- عصر/ ۲ و ۳

۷- نحل/ ۹۷

۸- مریم/ ۹۶

۹- بقره/ ۲۵۷

## بحث و نتیجه گیری

آن چه در این پژوهش به نگارش در آمده، تعریف کلی از طاعت و معرفی آثار و تبعات آن و عوامل و اسبابی است که در بروز و ظهور آن نقش موثری را ایفا می کند. در بررسی آیات کریمه ی قرآن و سخنان معصومین علیهم السلام و نیز مطالعه کتب اخلاقی متناسب با موضوع، این نتیجه حاصل شد که طاعت را می توان به دو دسته طاعت ممدوح و طاعت مذموم تقسیم کرد. طاعت ممدوح همان فرمان برداری از کسانی است که خداوند به طاعتشان دستور داده است. مانند طاعت از خدا و رسول خدا، طاعت از قرآن و اسلام که سعادت و خیر بشر در راستای همین طاعت تضمین شده است و طاعت مذموم طاعت از کسانی است که باری تعالی از گردن نهادن و گوش دادن از دستورات آن ها نهی کرده است مانند: طاعت از شیطان، کافران، مستکبران، مفسدان و که سرانجام آن جز نابودی و هلاکت چیز دیگری نیست و مانع رسیدن انسان به سعادت می شود.

روح عبادت و بندگی چیزی جز این نیست که انسان خود را به مملوکیت خدا درآورد و از خواست و رضای مولای خویش تبعیت کند و لازمه ی این بندگی تابع محض بودن است و زمانی این امر تحقق می یابد که عوامل و انگیزه هایی آدمی او را به این امر وا دارد. عوامل متعددی در زمینه طاعت بیان گردیده است؛ که برخی از این عوامل به درون و باطن برمی گردد مانند: ایمان به خدا که یک امر فطری است و از ابتدای خلقت در درون انسان نهادینه شده و یک عامل مهم در پذیرش دستورات حضرت حق است و برخی دیگر از جمله عوامل بیرونی محسوب می شوند مانند: محیط، دوستان صالح، نعمت های الهی در جهان هستی. طاعت مطمئناً آثار و ثمراتی در زندگی دنیوی و اخروی انسان به بار می آورد که از جمله آثار طاعت می توان به: ورود به بهشت و خلود در آن، کسب قرب و رضای پروردگار، آرامش، اطمینان خاطر، اتحاد، بر خورداری از نعمت های الهی اشاره نمود. و در نهایت نتیجه ای که حاصل می شود را می توان این گونه بیان کرد: هرکس از فرامین الهی اطاعت کند در زندگی دنیا و آخرت به سعادت واقعی دست پیدا می کند چرا که طاعت هم در زندگی مادی و هم اخروی تاثیر بسزایی دارد و از آنجا که عوامل متعددی در طاعت انسان نقش دارند؛ اگر آدمی آن ها را بشناسد، چراغ راهی جهت گام نهادن او در مسیر هدایت خواهد شد.

## منابع

- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۷). کمال گرایی و سبک های مقابله با تنیدگی. فصلنامه وانشناسی ایران. سال پنجم، شماره ۱۷. قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۱۰ هـ). معجم مقاییس اللغة، بیروت، الدار الاسلامیه.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم.
- الامدی التمیمی، عبدالواحد. (۱۴۲۷ ق). غررالحکم ودررالکلم، ترجمه سیدحسین اسلامی، قم، انتشارات انصاریان، چاپ هفتم.
- باقری آستانی. (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی، قائم شهر، مهر النبی، چاپ اول.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم. (۱۳۶۶ ش). تفسیر جامع، تهران، انتشارات صدر.
- پورسیف، عباس. (۱۳۸۷). خلاصه تفاسیر قرآن مجید (المیزان، نمونه)، تهران، نشر شاهد.
- تقوی، سید حسین. (۱۳۸۴). از ملک تا ملکوت، قم، میراث ماندگار، چاپ چهارم.
- ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ ق). تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم (مبادی اخلاق در قرآن)، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۱ هـ ش). تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ سوم.
- حرآنی، شیخ ابومحمد. (۱۳۸۳). تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی، چاپ سوم.

- حسینی همدانی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴ق). انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی .
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین. (۱۳۶۲). اخلاق اسلامی، تهران، دفتر نشر محراب.
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین. (۱۳۷۵). گناهان کبیره، بی‌جا، انتشارات عذیر، چاپ اول .
- دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف .
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول .
- سبحانی، جعفر. (۱۳۹۷ق). سیمای انسان کامل در قرآن، قم، مرکز انتشارات دارالتبلیغ الاسلامی، چاپ سوم .
- سلطانی، غلامرضا. (۱۳۷۲). تکامل در پرتو قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ چهاردهم .
- سهراب‌پور، همت. (۱۳۸۰). آثار تقوی و عبودیت، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم .
- شلتوت، شیخ محمود. (۱۳۸۲). تفسیر قرآن کریم، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد، شرکت به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی) چاپ اول .
- شیخ طوسی. (۱۴۱۴ق). امالی، قم، انتشارات دارالثقافه .
- صدر، سیدرضا، بی‌تا، حسد، تهران، انتشارات روزبه، چاپ دوم .
- طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲ش). پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار .
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- قرائتی، محسن. (۱۳۶۹). گناه‌شناسی، تنظیم و نگارش محمد محمدی اشتهاردی، تهران انتشارات پیام آزادی.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۳۸۷). قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم .
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۷۷). منازل الاخره، ترجمه صادق حسن‌زاده، بی‌جا، انتشارات انصاری، چاپ دوم .
- گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ق). تفسیر بیان السعاده فی مقام العباده، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات .
- مبلغ دایکندی، محمدعلی، نسیم معنویت، قم، انتشارات مجلسی، چاپ اول .
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم .
- محمدی ری شهری. (۱۳۶۲). بهترین راه شناخت خدا، تهران، انتشارات یاسر، چاپ دوم .
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۷). میزان الحکمه، بی‌جا، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الثانیه .
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب .
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). فطرت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ نهم .
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). سیری در نهج البلاغه، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و سوم .
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول .
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). اخلاق در قرآن، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب .
- مهبیار، رضا، بی‌تا، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، بی‌جا، بی‌نا.
- نراقی، ملااحمد. (۱۳۷۵). معراج السعاده، قم، انتشارات هجرت، چاپ سوم .
- نراقی، مولی مهدی. (۱۳۷۰). علم اخلاق اسلامی (جامع السعادات)، ترجمه سید جلال الدین مجتبیوی، انتشارات حکمت، چاپ پنجم .
- نجفی خمینی، محمدجواد. (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ اول.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۲). فرهنگ قرآن، قم، انتشارات دفتر تبایغات اسلامی، چاپ دوم .